

قاعده «تسهیل» و نقش آن در استنباط احکام حج

رضا عندلیبی*

چکیده

تأمل در شیوه شارع مقدس در تشریح احکام شرعی فرعی به طور عام و در تشریح مناسک حج و عمره به طور خاص، حاکی از این است که امر قانونگذاری در شریعت اسلام، بر اساس سهل‌گیری بر مکلفان است و شارع در تشریح احکام، سمحه بودن قوانین را مدنظر قرار داده است. به عبارت دیگر، شارع به دنبال جعل قوانین، آن هم به گونه‌ای است که مکلفان به سهولت از انجام آن برآیند. شناخت روش شارع در تشریح احکام شرعی، به ویژه در تقنین قوانین حج، از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند ما را به قاعده‌ای کلی در فقه، به نام «قاعده تسهیل»، رهنمون باشد؛ قاعده‌ای که صدور فتوا بر اساس آن، به روشنی در آثار فقها دیده می‌شود و سیره عملی بسیاری از آنان در اجتهاد، بر آن استوار شده است. بر این اساس، فقیه می‌تواند با استناد به این قاعده در فرایند استنباط، حکمی را وظیفه فعلی مکلفان قرار دهد که انجامش برای آنان به آسانی ممکن باشد. همچنین صدور فتاوی مستند به این قاعده، به خصوص در باب حج، را جایگزین صدور فتوا بر احتیاط‌هایی نماید که ممکن است در برخی از موارد، موجب سختی و مشقت بر مقلدین گردد.

واژه‌های کلیدی: تسهیل، تسامح، استنباط، قاعده فقهی، احتیاط.

* مدیر گروه فقه و حقوق پژوهشکده حج و زیارت (نویسنده مسئول) (r.andalibi@hzrc.ac.ir)

مقدمه

روش‌شناسی در تمامی علوم، از مهم‌ترین مهارت‌ها در شناخت صحیح از آن دانش است. هرچند از جنبه‌های گوناگونی می‌توان به روش‌شناسی دانش فقه پرداخت، اما روش‌شناسی و بررسی چگونگی تشریح احکام شرعی توسط شارع مقدس، از نظر لحاظ راحتی و سختی مکلفان در عمل به تکالیف شرعی، می‌تواند یکی از مهم‌ترین جنبه‌های روش‌شناسی در امر تقنین قوانین و وظایف شرعی باشد؛ زیرا روش‌شناسی در این زمینه، می‌تواند به تأسیس اصلی اولی و قاعده کلی منجر شود که در مقام صدور فتوا و فرایند استنباط، مورد استفاده فقیه قرار گیرد یا رویکردی را ایجاد کند که صدور فتوای فقیه را جهت‌دهی نماید یا سهولت را به مثابه یک گفتمان عام در مقام اجرای احکام مکشوف قرار دهد.

هرچند سهله و سمحه بودن شریعت مقدس اسلام، یکی از مسلمات فقهی است، اما تتبع در آثار فقیهان، بیانگر آن است که ایشان در فرایند استنباط، چندان از این روش به عنوان یک قاعده فقهی بهره نبرده‌اند. با این حال، توجه به سمحه و سهله بودن شریعت، در صدور فتوای بسیاری از فقها در ابواب مختلف فقه، به عنوان رویکردی که صدور فتوا را جهت‌دهی کرده، قابل انکار نیست. همچنان که در دوره‌های مختلف فقهی نیز بزرگانی چون محقق اردبیلی و محقق سبزواری را می‌توان یافت که در آثارشان این قاعده مورد توجه بیشتری قرار گرفته است.

شهید ثانی برای تبیین سهولت احکام شریعت اسلام و حکمت وضع آن می‌نویسد:

فالعقل قاضٍ بآنها طریق سهل و سبیل واضح و منهج لائح و به أشار صادعها: «إِنِّي يُعْثُ عَلِي الْمَلَّةِ السَّمْحَةَ السَّهْلَةَ الْبِيضَاءَ».... فَمِنْ اسْتَصْعَبَهَا وَجَعَلَ التَّمَسُّكَ بِهَا كَالصُّعُودِ إِلَى السَّاءِ، فَقَدْ خَالَفَ السَّنَّةَ وَعَطَلَ الشَّرِيعَةَ وَفَوَّتَ حِكْمَتَهَا وَضَيَّعَ فَائِدَتَهَا. (شهید ثانی،

۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۵۱).

برخی از فقهای معاصر نیز در این ارتباط فرموده‌اند:

بزرگان ما نیز، سهله و سمحه بودن دین را از امتیازات آن دانسته‌اند و طبق این اصل اساسی، دین را پاسخ‌گوی نیازهای بشریت تا ابد معرفی می‌کنند. (مطهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۴۱) فقیه بزرگوار، مرحوم صاحب جواهر، ارباب فتاوا را از احتیاط‌های زیاد و سخت‌گیری بر مردم منع می‌کرد و روزی که شیخ اعظم انصاری را به عنوان مرجعیت تقلید اعلام کرد، به او فرمود: «یا شیخ! قلل من احتیاطاتک؛ فان الاسلام شریعةً سمحاً»: «از احتیاطات خود بکاه؛ زیرا اسلام شریعتی است آسان و دارای گذشت». (جناتی، بی‌تا، ص ۲۶۱) خود شیخ انصاری نیز این اصل را، که اغلب احکام بر مدار سهولت وضع شده، قبول دارد و به آن اشاره کرده است. (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۲۵۸)

برخی از مراجع تقلید معاصر در اهمیت توجه به تسهیل در احکام شرعی فرموده‌اند:

«از روایت «بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ» که از رسول اکرم ﷺ نقل شده می‌توان فهمید احکام باید به گونه‌ای باشد که چوپان‌ها و بیابانی‌ها و پشت کوهی‌ها هم بتوانند تکالیف را به جا آورند و امتثال نمایند. با توجه به این، آیا می‌شود به ترک و هندی بگوییم که قرآن و اذکار را با لهجه دقیق عربی بخواند؟! خدا می‌داند که یاد گرفتن چنین لهجه‌ای چه تحمیلی بر مسلمانان غیرعرب می‌شود، به گونه‌ای که مردن و وصیت به نماز برای آنان از یاد گرفتن آن آسان‌تر است» (رخشاد، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۲۹۴).

برخی از محققان معاصر با رویکردی آسیب‌شناسانه، در نقد کثرت صدور فتاوا بر اساس احتیاط گفته‌اند:

متأسفانه فقهای بزرگوار با تمسک به علم اجمالی، احتمال عقاب، حُسن ادراک واقع و... چنان به احتیاط‌های فراوان و گاه غیر قابل اجرا روی آورده‌اند، که شریعت سهله و سمحه، هرگونه که معنا شود، جایگاهی در فقه به خود نبیند و به وضوح روشن است که دین صعب و پراحتیاط، جاذبه که ندارد هیچ، بلکه سرتاسر دافعه خواهد بود

و امکان تطبیق یک نظام بر آن غیر ممکن». (ر.ک: عابدینی، ۱۳۸۳ش).

این نوشتار ضمن تبیین مقصود از سهله و سمحه بودن شریعت، با ارائه مستندات و مدارکی به تأسیس قاعده‌ای با عنوان «قاعده تسهیل» می‌پردازد و محل جریان این قاعده، معیار سهولت انجام حکم شرعی و نهاد تشخیص این سهولت را تبیین می‌کند. فرضیه آن است که قاعده «تسهیل» به مثابه یک قاعده فقهی و در قالب کارایی استقلالی، می‌تواند فقیه را در فرایند استنباط یاری کند. بدین معنا که فقیه در مقام کشف حکم شرعی موضوعات احکام، به ویژه در باب حج، یا ترجیح ادله در فرض تعارض، می‌تواند سهولت در انجام تکلیف را، به عنوان سنجه و معیار قرار دهد و بر این اساس، فتوا دهد. برای نمونه، آیا فقیه می‌تواند هنگام شک در صحت سعی انجام گرفته در طبقه دوم یا زیرزمین مسعا، با فرض رعایت تمامی قیود و شروط شرعی در ادای سعی توسط مکلف، به دلیل وجود یکی از معیارهای سهولت در انجام تکلیف، (یعنی صدق عرفی ادای مناسک - در فرض پذیرش به عنوان معیار معتبر شرعی در سهولت-) به استناد قاعده تسهیل، حکم به صحت این سعی دهد یا در فرض تعارض دو دلیل، که یکی بر جواز تقدیم طواف حج بر وقوفین در حال اختیار و دیگری بر عدم جواز تقدیم دلالت دارد، به دلیل وجود یکی از سنجه‌های سهولت، (یعنی جواز تقدیم یا تأخیر ادای مناسک به جهت ازدحام) دلیل دال بر جواز تقدیم را، با فرض تساوی دو دلیل در سایر جهات منصوصه ترجیح، مقدم سازد. استناد به قاعده تسهیل، پس از اینکه سنجه‌های معتبر در سهولت ادای تکلیف از دیدگاه شارع، برای هر باب از فقه تبیین، تنقیح و با دلیل قطعی اثبات شد و نیز نهاد متولی تشخیص سهولت معین گردید، ممکن است. همچنین توجه به این نکته ضروری است که منظور از تسهیل، فراهم شدن امکان انجام تکلیف و ادای وظیفه، به آسان‌ترین شکل ممکن، با رعایت شروط و قیودی است که شارع تبیین کرده است؛ هرچند در تکالیفی مانند جهاد، خمس، زکات و حج، انجام اصل تکلیف از دید مکلف با مشقت همراه است، اما چون شارع مقدس تحمل آن را به صلاح

مكلف دانسته، وظایفی را بر عهده وی گذاشته است.

افزون بر این، در فقه قاعده دیگری با عنوان «قاعده نفی عسر و حرج» وجود دارد که ارتباط وثیقی با شریعت سهله و «قاعده تسهیل» دارد؛ از این رو، باید در مرحله بعد، مقصود از این قاعده و ارتباط آن با «قاعده تسهیل» روشن گردد.

در نهایت، مصادیقی از صدور فتوا در باب حج که با استناد به سهله و سمحه بودن شریعت صورت گرفته، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا راه برای اثبات امکان تمسک فقیه به «قاعده تسهیل» در فرایند استنباط، به ویژه در احکام شرعی حج و عمره، هموار گردد.

تسهیل در لغت و اصطلاح فقه

تسهیل در لغت از ماده «سهل» است که در اصل، به بیابان و زمین صاف در مقابل کوه و کوهستان گفته می‌شود (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۷۳۳) و به معنای آسان کردن و کاستن از سختی است. (خلیل بن احمد) (فراهیدی)، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۴۹) همچنین این واژه در لغت، به نقیض تعاسر (نشوان حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۳۲۵۱) یا مرادف با تسامح معنا شده است. (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۶۵) تسهیل در اصطلاح دانش فقه نیز برگرفته از معنای لغوی آن، به معنای آسان نمودن و ضد صعوبت و عدم ضیق و کلفت و سختی است. (شهید ثانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۵۱) دانش فقه چون به کشف و تبیین احکام و وظیفه شرعی مکلفان می‌پردازد، مقصود از تسهیل در این دانش، کشف احکام از ادله، مبتنی بر آسان‌گیری بر مکلف و صدور فتوا و تعیین وظیفه فعلی مکلف بر آن اساس است.

مستندات قاعده تسهیل

چون قاعده تسهیل می‌تواند به عنوان قاعده‌ای کلی در استنباط احکام شرعی و تعیین وظیفه فعلی مکلف استفاده شود، ابتدا لازم است مدارک و مستندات قاعده را

بررسی کنیم. در اثبات این قاعده، به برخی آیات، روایات، بنای عقلا و سیره عملی فقها تمسک می‌جوئیم.

۱. آیات

آیه اول: آیه ۱۸۵ سوره بقره

﴿... يَرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ...﴾

مهم‌ترین آیه‌ای که می‌تواند مستندی برای این قاعده باشد، این آیه است؛

خداوند پس از تبیین احکام روزه و موارد استثنای آن در این آیه، به بیان قاعده کلی در باب تشریح احکام روزه پرداخته است. بنابراین با سلب خصوصیت از موضوع روزه و تسری آن به سایر احکام شرعی فرعی، می‌توان گفت خداوند امر قانونگذاری و تشریح احکام شرعی را بر اساس سهولت در انجام آنها قرار داده است. بنابراین فقیه می‌تواند در کشف احکام شرعی، براساس معیارهای سهولت در اجرای احکام و تکالیف شرعی از دید شارع، حکم و وظیفه فعلی مکلفان را به گونه‌ای استنباط کند که به آسانی قابل انجام باشد.

ممکن است گفته شود این آیه از مستندات قاعده «نفی عسر و حرج» است و فقها در اثبات این قاعده به همین آیه استناد کرده‌اند؛ بنابراین نمی‌توان از این آیه در اثبات قاعده تسهیل بهره برد؛ اما توجهی دقیق به متن آیه، برای پاسخ به این اشکال کافی است؛ زیرا آیه شریفه به مقتضای تکرار اراده و کاربست دو لفظ «یسر» و «عسر»، در اینکه اراده الهی در امر تشریح و قانون‌گذاری، به سهولت انجام تکلیف تعلق گرفته است، ظهور دارد و اگر پس از تشریح و در مقام عمل به احکام شرعی، مشقت و حرجی ایجاد شود، مورد اراده الهی نیست و قابل رفع و نفی است. بنابراین مستفاد از آیه شریفه دو چیز است:

۱. تشریح احکام اولیه بر اساس آسانی انجام آن برای مکلفان که عبارت «يَرِيدُ اللَّهُ

بِكُمْ الْيُسْرَ» بر آن دلالت دارد.

۲. نفی عسر و مشقت حاصل از اجرای احکام و تکالیف اولیه در برخی موارد و نسبت به برخی از مکلفان در مقام عمل به تکالیف شرعی که از عبارت «وَلَا يَرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ» استفاده می‌شود.

آیه دوم: آیه ۲۸ از سوره نساء

﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾

به اعتقاد برخی مفسران، این آیه اشاره دارد که حکم گذشته درباره آزادی ازدواج با کنیزان تحت شرایط معین، در حقیقت نوعی تخفیف و توسعه محسوب می‌شود؛ زیرا انسان موجود ضعیفی است و باید برای مقابله با طوفان غریزه‌های گوناگون، راه‌های مشروعی جهت ارضای این غریزه‌ها به او ارائه شود تا بتواند خود را از انحراف حفظ کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۳۵۴)

برخی از مفسران نیز معتقدند خداوند متعال بر انسان منت نهاد و شهواتی را بر او حلال کرد، تا به این وسیله شهوتش را مهار کند؛ نکاح را به مقداری که عسر و حرج او را برطرف کند، تجویز کرد و فرمود: «وَأَجَلٌ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» و این «ماوراء»، همان دو طریق ازدواج، خریدن کنیز و ... و تخفیف بیشتری به آنها داد و نکاح موقت (متعّه) را نیز تجویز و تشریح کرد؛ چون با تجویز متعه، دیگر دشواری‌های نکاح دائم و مشقت لوازم آن یعنی صداق و نفقه و غیره را ندارند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۸۲)

هرکدام از تفاسیر بالا را بپذیریم، می‌توان گفت آیه شریفه در صدد بیان رویه شارع در امر قانون‌گذاری است که در تشریح احکام شرعی، بنا را بر تخفیف و آسانی انجام تکلیف گذاشته و این تخفیف را به ضعف عمومی بشر مدلل کرده است.

آیه سوم: آیه ۱۷۸ از سوره بقره

﴿...ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

علامه طباطبایی در تبیین این آیه می نویسد:

حکم به انتقال از قصاص به دیه، خود تخفیفی است از پروردگار شما و به همین جهت، تغییر نمی پذیرد. پس ولی خون نمی تواند بعد از عفو، دبه در آورده، از قاتل قصاص نماید و اگر چنین کند، خود او هم متجاوز است و کسی که تجاوز کند و بعد از عفو قصاص کند، عذابی دردناک دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۳۲)

بر اساس این آیه، در تشریح حکم قصاص تخفیفی صورت گرفته و امکان تبدیل قصاص به دیه با رضایت ولی مقتول فراهم شده است. از این رو، آیه به صراحت، بر رویه شارع در تقنین و بناگذاری آن بر آسان گیری بر مکلفان در مقام اجرای احکام دلالت می کند.

۲. روایات

روایت اول: صحیح ابن قدام

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ عُثْمَانَ يَصُومُ النَّهَارَ وَيَقُومُ اللَّيْلَ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مُغْضَبًا يُجْمَلُ نَعْلَيْهِ حَتَّى جَاءَ إِلَى عُثْمَانَ فَوَجَدَهُ يَصَلِّي فَاَنْصَرَفَ عُثْمَانُ حِينَ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ لَهُ: «يَا عُثْمَانُ لِمَ بَرَسَلَنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ أَصُومُ وَأُصَلِّي وَأَمْسُ أَهْلِي فَمَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلْيَسْتَنَّ بِسُنَّتِي وَمِنْ سُنَّتِي النِّكَاحُ». (كليني، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۴۹۴)

حضرت در این روایت، به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلى الله عليه وآله نتیجه بعثت خود را آوردن دینی منضبط و دارای احکامی آسان برای مکلفان می دانند. بنابراین روایت، تشریح احکام شرعی در اسلام، بر اساس آسان گیری بر مکلفان است.

البته مضمون این روایت، در منابع اهل سنت و برخی از منابع شیعی نیز منعکس شده است.^۱

روایت دوم: صحیحہ اسماعیل جعفی

عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الدِّينِ الَّذِي لَا يَسَعُ الْعِبَادَ جَهْلُهُ فَقَالَ:
«الدِّينُ وَاسِعٌ وَلَكِنَّ الخَوَارِجَ ضَيَّقُوا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ مِنْ جَهْلِهِمْ...» (كليني، ۱۴۱۷ق،
ج ۲، ص ۴۰۵)

با توجه به این روایت، شریعت اسلام، بر مبنای توسعه بر مکلفان بنا نهاده شده است و چون دین و شریعت شامل احکام شرعی فرعی نیز می شود، می توان مقصود از روایت را این دانست که تشریح تمامی احکام و همچنین احکام شرعی فرعی، به گونه ای است که مکلفان در عمل به شریعت، دچار مشقت نشوند و هرگونه تضییق، حاصل ناآگاهی از دین است و اسلام آن را تأیید نمی کند.

افزون بر روایات خاصی که تبیین شد، فقها به مجموعه ای از روایات در باب های مختلف فقه نیز برای اثبات حکم شرعی استناد می کنند. با بررسی دلالت این روایات، می توان به طور قطع ادعا کرد که شیوه شارع در تشریح احکام شرعی، بر تسهیل امر مکلفان بنا نهاده شده است و به عبارت دیگر، این مجموعه از روایات، به تواتر معنوی بر قاعده تسهیل دلالت دارند. برخی از این روایات در ادامه می آید:

الف) روایاتی که بر نفی احتیاط دلالت دارد. ۲.

ب) روایاتی که در باب کفارات، مکلف را بین چند امر مخیر کرده است. ۳.

ج) روایاتی که انجام امری آسان را به عنوان وظیفه مکلف معین کرده است. ۴.

د) روایاتی که در اجرای حدود، با توجه به شرایط مکلف، حدود متفاوتی را مقرر کرده یا در مقام اثبات جرم، مستندات را طلب نموده که فراهم نمودن آن برای مکلف آسان نیست.

استناد به این روایات، از این رو در اثبات قاعده تسهیل میسر است که نشان از رویه کلی شارع در تشریح احکام شرعی است و بیانگر انعطاف در تشریح احکام

شرعی در مقام عمل و اجرا و لحاظ شرایط و حالات مختلف مکلف و عروض عناوین ثانوی است.

۳. بنای عقلا

به یقین می‌توان ادعا کرد که سیره عقلا، استفاده از روشی است که اهدافشان را به آسان‌ترین وجه و با کمترین سختی محقق سازد و آنان را به راحت‌ترین شکل ممکن، به هدف برساند؛ شارع نیز چون با عقلا هم‌مسلك است، قانون‌گذاری را بر اساسی استوار کرده که در سایه عمل به شریعت، غایات و اهداف از تشریح قوانین، هرچه باشد، به آسانی محقق شود و بدیهی است که سهولت در تحقق اهداف تشریح، ملازم با قانون‌گذاری بر اساس آسان‌گیری بر مکلفان است. تا آنان بتوانند به سهولت، رفتار و کردار خود را بر شریعت تطبیق دهند و در نتیجه، هدف از تشریح احکام، با عمل به دستورات قانونگذار شریعت، به آسانی محقق گردد.

۴. سیره عملی فقها

بررسی فتاوا و کلمات فقها، به ویژه فقهای متقدم، نشان می‌دهد آنان در موارد بسیاری با استناد به سهله و سمحه بودن شریعت، از صدور فتوایی که باعث ایجاد سختی برای مکلفان شود، اجتناب، و در تعیین وظیفه‌ای آسان بر مکلف و صدور فتوا بر آن اساس، به سهل بودن شریعت استناد می‌کردند. البته صدور فتوا با این استناد، همان‌گونه که ممکن است بر اساس پذیرش قاعده تسهیل (حتی اگر هنوز در زمان فقهای متقدم شکل قاعده به خود نگرفته باشد) بوده، می‌تواند رویکردی باشد که در جهت‌دهی فقیه در فرایند استنباط، مؤثر واقع شده است. در ادامه به نمونه‌هایی از این فتاوا اشاره می‌شود:

الف) علامه حلی

وی در اشکال بر مرحوم سید مرتضی و عده‌ای از فقها، که به وجوب فوری قضای نمازهای فوت شده و حرمت اشتغال به امور دیگر فتوا داده‌اند، می‌گوید:

«و ذلك كله مكابرة، لمنافاته قوله ﷺ: بعثت بالحنيفية السمحة السهلة». (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۵۵)

ب) شهید اول

وی در کتاب شریف ذکری برای رد حکم به احتیاط شیخ طوسی رحمته الله در مورد زنی که عدد و زمان را در قاعدگی فراموش کرده، دلایلی مطرح کرده و در پایان به عنوان تأیید آن دلایل، به سهله و سمحه بودن شریعت تمسک می جوید و می نویسد:

يؤيده أنّ حكمة الباري أجلّ من أن يدع أمرا مبهما، تعمّ به البلوي في كل زمان و مكان، و لم يبينه علي لسان صاحب الشرع، مع لزوم العسر و الحرج فيما قالوه، و هما منفيان بالآي و الأخبار، و غير مناسبين للشرعية السمحة السهلة. (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۵۶)

همچنین در کتاب القواعد و الفوائد، قاعده‌ای با عنوان «المشقة موجبة ليسر» مطرح و در اثبات آن به آیات و روایات فراوانی، از جمله روایت سهله و سمحه بودن شریعت، استناد کرده است. هرچند برخی از مصادیقی که از ابواب مختلف فقه برای این قاعده معرفی کرده، مصداق قاعده نفی عسر و حرج یا لاضرر است. (شهید اول، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۳) اما این تداخل مصادیق، به دلیل آنکه قواعد فقهی در آن زمان مانند اکنون روشن و منقح نبود، قابل اغماض است.

ج) فاضل مقداد

وی از فقهای قرن نهم است و مانند شهید اول رحمته الله، برای اثبات قاعده‌ای با عنوان «المشقة سبب للتيسير»، به روایت سهله و سمحه بودن شریعت استناد کرده است. (فاضل مقداد، ۱۴۰۳ق، ص ۱۵)

د) مقدس اردبیلی

ایشان به گونه‌ای در موارد فراوان به این قاعده تمسک کرده، که می توان او را

مجدد این قاعده دانست. برای نمونه، در اثبات طهارت اجزای جدا شده از بدن انسان، مانند پوست و ...، به سهله و سمحه بودن شریعت استناد کرده است. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۰۵) همچنین در اثبات عدم وجوب فشردن لباسی که با آب قلیل تطهیر شده، به این قاعده تمسک جسته و می نویسد:

و بالجملة وجوب العصر، ما نجد له دليلا الا الحكم بنجاسة الماء الموجود فيه مع إمكان إخراجہ، ولا يمكن الا بالعصر، ولكن لا يتم، لمنع عدم إمكان إخراجہ إلا بالعصر والقول بها أيضا مشكل لما فهم من المحذورات سيما الحكم بطهارة البدن بعد الغسل بالماء القليل وعدم اشتراط التيبس، وكذا الظروف وغيرها، والأصل و دليل الحرج و السمحة السهلة مؤيد عظيم. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۳۶)

وی افزون بر این، برای اثبات امتداد وقت نافله ظهر، (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۶) جواز قضای نوافل قبل از فریضه، (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۰) صحت عملی که در واقع صحیح بوده، ولی مکلف علم به صحت آن نداشته، (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۵۴-۵۳) عدم اشکال در اختلاف کم در استقبال قبله، (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۵۹ و ۶۹ و ۷۵) اثبات عدم نیاز به دقت در خفاء جدران و اذان برای حصول قصر در نماز، (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۰۳)، اثبات اینکه شرطیت تتابع در برخی روزه‌ها، مختص حالت اختیار است (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۰۷) و ده‌ها مورد دیگر، به همین سهله و سمحه بودن شریعت تمسک کرده است.

نظر وی در مورد اثبات عدم وجود وقت اختصاصی برای نمازها با استناد به این قاعده، (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۳) مورد تأیید برخی دیگر از فقها قرار گرفته است. (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۱۴؛ علوی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۰)

هـ) محقق کاظمی

وی در کتاب مسالک الافهام فی آیات الاحکام، حکم به بطلان حج درباره کسی

که پس از وقوفین مریض شده را به دلیل همین قاعده، بعید می‌داند و می‌نویسد:
إنه إذا مرض بعد الموقفین طیف به إن أمکن، وإلا استتاب من يطوف عنه، وأیضا إبطال
الحجّ بعد تحقّق الموقفین اللّذین هما العمدة والمدار فی حصول الحجّ وفواته، وإیجاب
هدی آخر و الطواف، لإباحة النساء خلاف الأصل، وبعید عن الشریعة السمحة السهلة.
(کاظمی، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۷)

(و) حاج آقا حسین خوانساری

وی حکم و جوب اجتناب از متهم به عدم احتراز از نجاست را مناسب با شریعت
سهله سمحه ندانسته است. (محقق خوانساری، بی تا، ج ۳، ص ۴۶۸)

(ز) محقق بحرانی

وی در موارد بسیاری از کتاب حدائق، به این قاعده تمسک جسته و در رد بنای
بر اقل در کثیر الشک، می‌نویسد:

و بالجمله فإنّ جمیع ما ذکره هذا المحقق من الأقوال و خلاف الأصحاب کله خلاف
ظواهر النصوص الدالة علی تسهیل التکلیف مضافاً الی عموم النصوص الدالة علیان دینه
«سمح سهل كما تمدح به» من قوله بعثت بالحنيفية السمحة السهلة. (بحرانی، ۱۴۰۵ق،
ج ۹، ص ۲۹۶)

وی همچنین برای رد و جوب احتیاط در مورد سؤر حیوانات حلال گوشت،
(بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۲۹) و حکم به عدم حسن احتیاط به طور مطلق در
عبادات، (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۳۰) به این روش شریعت استناد می‌کند.

(ح) محقق بهبهانی

وی نیز در چندین مورد، موافقت با شریعت سهله و سمحه را از مرجحات بین
روایات متعارض دانسته است. (بهبهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۱ و ج ۲، ص ۲۷۲)

ط) صاحب ریاض

وی برای اثبات صحت نماز مسلوس بدون نیاز به تجدید وضو، به این قاعده استناد کرده است. (طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۶۳)

ی) میرزای قمی

ایشان در موارد فراوان، یکی از مرجحات بین روایات متعارض را موافقت با شریعت سهله دانسته‌اند. (میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۸۲، و ج ۵، ص ۱۶۴، و ج ۶، ص ۱۳۴)

ک) سید عبدالاعلی سبزواری

وی در اثبات عدم انفعال آب قلیل، این گونه استدلال می‌کند:

لا ريب في أنّ هذه المسألة (عدم انفعال الماء القليل) من أهم المسائل الابتلائية خصوصاً في الأعصار القديمة و خصوصاً في أرض الحجاز، و تناسب التسهيل و التيسير من كلّ جهة، و الفطرة متوجهة إلى السهل و اليسير و بناء أئمة الدين عليهم السلام علي إظهار الأحكام السهلة ترغيباً للناس إلى الشريعة السمحة السهلة بكل وجه أمكنهم. (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۷۵)

سبزواری از این قاعده در امر استنباط بهره فراوانی برده و حتی در برخی موارد از آن به نام «تسهیل» یاد نموده است. (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۳)

برخی دیگر از فقهای معاصر نیز به این قاعده تمسک کرده‌اند، که به خاطر پرهیز از اطاله، از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

معیار سهولت از دیدگاه شارع

صدور فتوای مستند به «قاعده تسهیل»، مستلزم شناخت معیار سهولت از دیدگاه شارع است تا فقیه در مقام استنباط، حکمی منطبق بر معیار سهولت در اجرای احکام برگزیند و براساس آن فتوا دهد.

توجه به این نکته ضروری است که معیار سهولت در انجام تکلیف، در باب‌های مختلف فقه با یکدیگر متفاوت است و فقیه باید در هر باب، با بررسی مدارک و ادله احکام، به کشف معیارهای مد نظر شارع در تسهیل ادای تکلیف در آن باب بپردازد. برای نمونه، چنین به نظر می‌رسد معیار تسهیل در نماز، عدم تکرار و اعاده (در صورت امکان) و تصحیح نماز انجام گرفته توسط مکلف است؛ مادامی که حداقل از شرایط صحت را داشته باشد. همچنین تسهیل در جهاد، جواز عقب‌نشینی در حالتی است که عقب‌نشینی یک روش نظامی برای تهاجم یا پیوستن به گروهی برای کمک گرفتن از آنها برای ادامه نبرد باشد. البته ممکن است در معاملات، همان‌گونه که بنای شارع بر امضا و تأیید معاملات عرفی است، در سهولت انجام معامله نیز نظر عرف را، مادامی که معامله از شرایط کلی صحت برخوردار است، ملاک قرار دهد و امضا نماید. در مورد احکام حج نیز می‌توان با کمک گرفتن از روایات، سنجه‌های معتبر در سهولت انجام تکلیف را کشف کرد. بررسی معیارهای معتبر در این باب، هر چند نیازمند پژوهشی مستقل است، اما شاید بتوان گفت به طور کلی سهولت مورد تأیید شارع در ادای مناسک، عبارت است از ادای تکلیف با رعایت حداقل شروط و قیود ممکن و دخیل در صحت اعمال و مناسک در فرضی که رعایت تمام شروط و قیود برای مکلف سختی و مشقت دارد. اما آنان را به حرج نمی‌اندازد.

محل جریان قاعده «تسهیل»

کارایی این قاعده در فرایند استنباط، خلاصه در موارد زیر است:

۱. در فرایند استنباط اول و کشف آسان‌ترین حکم شرعی مطابق با سنجه‌های معتبر در سهولت انجام تکالیف. بدین معنا که فقیه می‌تواند با استناد به این قاعده، به دلیل وجود یکی از سنجه‌ها و معیارهای مد نظر شارع در سهولت انجام تکلیف، آسان‌ترین حکم را وظیفه فعلی مکلف قرار دهد. مثلاً اگر از روایات باب حج، چنین فهمیده شود که شارع در صورت ازدحام، به انجام عمل با رعایت حداقلی

شرایط دخیل در صحت عمل موافق است، فقیه می‌تواند با استناد به این قاعده و به دلیل وجود سنجه‌ای از سنجه‌های معتبر در سهولت ادای تکلیف، در صورت ازدحام، حکم به صحت و کفایت طواف در خارج از فاصله بین مقام و بیت دهد؛ چرا که در این صورت، طواف بیت عرفاً صادق است و مکلف نیز می‌تواند به آسانی طواف را در این فاصله با رعایت تمامی قیود و شروط ممکن (غیر از رعایت حد فاصله مقام تا بیت) انجام دهد. البته ممکن است با تأخیر در انجام طواف و رفع ازدحام، مکلف بتواند طواف را با تمامی قیود معتبر انجام دهد؛ در این صورت، قطعاً نوبت به طواف در خارج از محدوده نمی‌رسد. اما این قاعده آنجایی به کار می‌رود که فقیه معتقد به وجوب رعایت موالات در انجام طواف و سایر اعمال باشد یا انجام عمل در فرض اول را مجزی بداند.

۲. در فرایند استنباط دوم به عنوان سنجه تقدیم و ترجیح در مقام تعارض بین ادله. بدین معنا که فقیه، همان‌گونه که می‌تواند با استناد به اخبار علاجیه، ملاکات منصوص را سنجه تقدیم و ترجیح قرار دهد، در صورت نبود این ملاکات یا تساوی دو روایت از این جهات، می‌تواند با استناد به قاعده تسهیل، که آیات و روایات دال بر آسان‌گیری خداوند متعال در امر تشریح، آن را پشتیبانی می‌کند، آسانی انجام حکم و تکلیف بیان شده در دلیل مورد معارضه را سنجه تقدیم قرار دهد.

نهاد تشخیص سهولت

با توجه به لزوم اعتباربخشی شارع به سنجه‌های سهولت در اجرای احکام و تکالیف شرعی، مرجع تشخیص سهولت، شارع است. البته امکان دارد شارع در مواردی مانند باب معاملات، نظر عرف یا در فرض عروض عناوین ثانوی مانند تقیه، نظر فقیه یا حاکم اسلامی را معتبر بداند.

قاعده نفی عسر و حرج و ارتباط آن با قاعده تسهیل

برای روشن شدن ارتباط و مناسبات این دو قاعده فقهی، با فرض پذیرش قاعده

تسهیل به عنوان قاعده، لازم است وجوه افتراق و اشتراک این دو قاعده بررسی شود.

الف) وجوه افتراق این دو قاعده عبارتند از:

۱. قاعده «نفی عسر و حرج» رافع احکام مکشوف است؛ یعنی اگر اجرای حکم اولی در مورد مکلف خاص یا مکلفان با سختی و حرج باشد، این قاعده رافع آن حکم است؛ اما قاعده تسهیل، مثبت آسان‌ترین تکلیف بر اساس معیارهای معتبر شارع در سهولت، برای کشف حکم شرعی است.

۲. قاعده «تسهیل» می‌تواند در فرایند استنباط دوم و در مقام تعارض بین ادله، به عنوان یک سنجه مورد استناد فقیه قرار گیرد تا او با تمسک به این قاعده، در صورتی که یکی از سنجه‌های معتبر در سهولت انجام تکلیف در دلیل مورد معارضه باشد، آن دلیل را بر دلیل دیگری که فاقد این معیار است، ترجیح دهد؛ اما قاعده «نفی عسر و حرج» این کارایی را ندارد.

۳. قاعده «نفی عسر و حرج» مخصص ادله احکام اولیه است، اما قاعده «تسهیل» در صورتی که مجال جریان داشته باشد، (با فرض وجود سنجه‌های معتبر در سهولت) حاکم بر این ادله است.

ب) وجوه اشتراک دو قاعده عبارتند از:

۱. ملاک در حرج یا سهولت انجام تکلیف، حرج و سهولت شخصی است. از این رو، ممکن است انجام تکلیف برای مکلفی دارای حرج یا همراه با مشقت، و برای مکلف دیگر، سهل و بدون حرج باشد.

۲. چنانچه مکلف، تکلیفی با حرج یا مشقت انجام دهد، تکلیف از او ساقط است و رفع یا اثبات تکلیف، امتنان بر مکلفان است.

لازم به ذکر است که در مواردی به قاعده تسهیل تمسک می‌شود که انجام تکلیف، با رعایت تمامی شروط و قیود معتبر در صحت، با مشقت و دشواری برای

مکلف همراه است؛ اما این دشواری به گونه‌ای نیست که تکلیف را از مصادیق تکلیف حرجی قرار دهد.

تمسک فقها به قاعده تسهیل در استنباط احکام حج

قاعده تسهیل می‌تواند در استنباط احکام در تمامی ابواب فقه و به ویژه در باب حج، استفاده شود. تتبع در فتاوی فقها، گویای این است که گرچه آنان در کتاب‌های فقهی خود از «قاعده تسهیل» نام نبرده‌اند، اما در موارد فراوانی با استناد به سهله و سمحه بودن شریعت، احکام حج را تبیین یا از صدور فتوای مشقت‌بار برای مکلف خودداری کرده‌اند. نمونه‌هایی از استناد فقها به این قاعده در ابواب مختلف فقهی نقل شد و در ادامه، به برخی دیگر از این استنادات درباره حج، اشاره می‌شود.

الف) محقق اردبیلی

۱. ایشان در مورد کسی که عالماً و عامداً احرام از میقات را ترک کرده است و فرصت نیز گذشته و دیگر توان بازگشت به میقات را ندارد، احرام از ادنی الحل و یا حتی از مکه را مجزی می‌داند؛ زیرا اگر او نتواند از ادنی الحل یا مکه محرم شود، باید حج را از این سال تأخیر بیندازد؛ حال آنکه تکلیف به انجام حج در سال آینده، امری دشوار است؛ (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۷۴) زیرا ادامه حیات وی تا سال آینده و باز بودن مسیر و فراهم بودن شرایط انجام حج، معلوم نیست.

برخی از محققان معاصر، در تحلیل این فتوا از مقدس اردبیلی گفته‌اند:

این سخن ایشان، راه خوبی را فراروی محققان و فقیهان باز می‌کند تا در فتوای به بطلان و اعاده حج، همه شرایط را مد نظر قرار دهند. برای نمونه، امروزه که حاجیان برای رفتن به حج باید سال‌ها در نوبت بمانند و هزینه‌های هنگفتی نیز باید پردازند و برخی از افراد، توان بیش از یک سفر به حجاز را ندارند، تکلیف به تطابق کامل مآتی به و مأموره، حتی اگر مکلف مقصر و عامد باشد، فتوایی است که نیازمند تأمل بیشتری است. (ر.ک: عابدینی، ۱۳۸۳ش)

۲. مقدس اردبیلی رحمته الله علیه در بحث تکرار و عدم تکرار کفاره نسبت به مرد محرمی که در حج، سر خود را بپوشاند و این عمل را استمرار دهد، می‌فرماید: «تکرار لازم نیست» و یکی از ادله‌ای که برای اثبات مدعای خویش مطرح می‌کند، این است که اسلام، شریعت سهله سمحه است. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۵۱)

۳. وی در باب ترک جهلی طواف، در مقابل مشهور (که معتقدند به دلیل رکن بودن طواف، مبطل حج است) می‌گوید: «حج باطل نیست» و یکی از ادله ایشان، سهله و سمحه بودن دین اسلام است. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۶۳)

ب) محقق کاظمی در مسالک الافهام فی آیات الاحکام معتقد است حج کسی که بعد از وقوفین مریض شود، باطل نیست و بقیه اعمال او باید با نیابت و امثال آن انجام شود؛ چراکه بطلان حج با شریعت سهله سمحه سازگار نیست. (کاظمی، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۷)

ج) آیه‌الله صافی گلپایگانی درباره کسی که بعد از ادای مناسک حج استطاعتش را از دست داده، حکم به کفایت حج می‌کند و می‌گوید: «حکم به وجوب اتیان حج در سال آینده با شریعت سهله سمحه سازگار نیست». (صافی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۵۲)

با توجه به آنچه در اثبات «قاعده تسهیل» بیان شد، به نظر می‌رسد برخی فتاوی‌ای از فقها در باب حج، همچون فتوای حرمت استتلال حتی در شب و لزوم سوار شدن مُحرم بر ماشین‌های بی‌سقف، لزوم قرارگرفتن شانه چپ به سمت کعبه، هل نخوردن و دقت‌ها و وسواس‌های بیش از اندازه برای انجام طواف، وجوب ذبح در منا بر فرض خارج بودن مذبح از منا، لزوم نیابت در طواف در طبقه پایین و همچنین اطافه در اوقات خلوت علاوه بر انجام طواف در طبقه بالا توسط معذور، خواندن نماز طواف توسط معذور و همچنین نایب، عدم صحت نماز طواف شخصی معذور از تلفظ صحیح عربی و لزوم گرفتن نایب احتیاطاً (به ویژه برای مسلمانانی که در گویش آنها حروف مشترک با عربی بسیار اندک است مانند زبان چینی و ...) عدم

صحت حجی که بر اساس حکم حاکم مخالف در مورد هلال، انجام گرفته و لزوم انجام حج در سال آینده و نیز ده‌ها مسئله مشابه دیگر، که بسیاری از آنها بر مبنای احتیاط صادر شده، لازم است براساس قاعده تسهیل، بازنگری شود.

نتیجه‌گیری

۱. تأمل در شیوه شارع مقدس در تشریح احکام نورانی اسلام به طور عام و در تشریح احکام و مناسک حج و عمره به طور خاص، نشان از آسان‌گیری امر قانون‌گذاری در شریعت اسلام است و شناخت روش شارع در تشریح احکام شرعی، به ویژه در تقنین قوانین حج، از این جهت اهمیت دارد که ما را به قاعده‌ای کلی در فقه، به نام «قاعده تسهیل» رهنمون می‌کند.

۲. در اثبات این قاعده می‌توان به برخی از آیات، روایات، بنای عقلا و سیره عملی فقها تمسک جست.

۳. هدف از این قاعده فقهی، تسهیل امر استنباط احکام شرعی برای فقیه است و کارایی آن در فرایند استنباط را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

الف) در فرایند استنباط اول و کشف آسان‌ترین حکم شرعی مطابق با سنجه‌های معتبر در سهولت انجام تکالیف.

ب) در فرایند استنباط دوم به عنوان سنجه تقدیم و ترجیح در مقام تعارض بین ادله.

۴. آنچه وجه تمایز و اشتراک بین قاعده نفی عسر و حرج و قاعده تسهیل می‌باشد، عبارت است از:

الف) قاعده «نفی عسر و حرج» رافع احکام مکشوف است؛ اما قاعده تسهیل، مثبت آسان‌ترین تکلیف، بر اساس معیارهای معتبر در سهولت نزد شارع، در مقام کشف حکم شرعی است.

ب) قاعده «تسهیل» می‌تواند در فرایند استنباط دوم و در مقام تعارض بین ادله، به عنوان یک سنجه مورد استناد فقیه قرار گیرد، اما قاعده «نفی عسر و حرج» چنین کارایی ندارد.

ج) قاعده «نفی عسر و حرج» مخصوص ادله احکام اولیه است، اما قاعده «تسهیل»، حاکم بر این ادله است.

و جوه اشتراک این دو قاعده عبارتند از:

الف) ملاک در حرج یا سهولت انجام تکلیف، حرج و سهولت شخصی است.

ب) چنانچه مکلف تکلیف حرجی یا دارای مشقت را انجام دهد، تکلیف از او ساقط است و رفع یا اثبات تکلیف، امتنان بر مکلفان است.

۵. تتبع در فتاوی فقها، نشان می‌دهد گرچه آنان در کتب فقهی خود از «قاعده تسهیل» نامی نبرده‌اند، اما در موارد فراوانی، با استناد به سهله و سمحه بودن شریعت، احکام حج را تبیین کرده‌اند یا از صدور فتوایی که بر اساس آن، عمل برای مکلف سخت و زحمت‌آور است، خودداری نموده‌اند. از این رو، به نظر می‌رسد مناسب است برخی از فتاوی صادر شده در باب حج، که با «قاعده تسهیل» سازگاری ندارد، بازننگری شود.

پی نوشت ها

۱. برای نمونه، مرحوم مجلسی در بحار الانوار، از منابع اهل سنت چنین نقل کرده که نبی مکرم اسلام ﷺ می فرماید: «بُعِثْتُ إِلَيْكُمْ بِالْحَنِيفَةِ السَّمِيحَةِ السَّهْلَةِ الْبَيْضَاءِ». (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۳۰، ص ۵۴۸)
 ۲. برای نمونه: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «كُلُّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ فَتَدَعَهُ مِنْ قَبْلِ نَفْسِكَ وَ ذَلِكَ مِثْلُ الثُّوبِ يَكُونُ قَدْ اشْتَرَيْتَهُ وَ هُوَ سَرَقَةٌ أَوْ الْمَمْلُوكُ عِنْدَكَ وَ لَعَلَّهُ حُرٌّ قَدْ بَاعَ نَفْسَهُ أَوْ خُدْعٌ فَبِيعَ أَوْ فَهْرٌ أَوْ امْرَأَةٌ تَحْتَكَ وَ هِيَ أُخْتُكَ أَوْ رَضِيعَتُكَ وَ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا عَلَيَّ هَذَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكَ غَيْرُ ذَلِكَ أَوْ تَقُومَ بِهِ الْبَيْتَةُ». (كليني، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۱۴)
 ۳. برای نمونه: «أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ قَالَ: سَأَلَ الْحَسَنُ بْنُ مِهْرَانَ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام عَنْ رَجُلٍ ظَاهَرَ مِنْ أَرْبَعِ نِسْوَةٍ فَقَالَ يَكْفُرُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ كَفَارَةٌ وَ سَأَلَهُ عَنْ رَجُلٍ ظَاهَرَ مِنْ امْرَأَتِهِ وَ جَارِيَتِهِ مَا عَلَيْهِ قَالَ عَلَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا كَفَارَةٌ عِنْتُ رَقَبَةٍ أَوْ صِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ أَوْ إِطْعَامَ سِتِّينَ مَسْكِينًا». (كليني، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۵۸)
 ۴. برای نمونه: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام فِي رَجُلٍ نَدَرَ عَلَى نَفْسِهِ إِنْ هُوَ سَلِمَ مِنْ مَرَضٍ أَوْ تَخَلَّصَ مِنْ حَبْسٍ أَنْ يَصُومَ كُلَّ يَوْمٍ أَرْبَعَاءَ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي تَخَلَّصَ فِيهِ فَعَجَزَ عَنِ الصَّوْمِ لِغَلَّةٍ أَصَابَتْهُ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ فَمَدَّ لِلرَّجُلِ فِي عُمْرِهِ وَ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ صَوْمٌ كَثِيرٌ مَا كَفَارَةٌ ذَلِكَ؟ قَالَ: تَصَدَّقَ لِكُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ مِنْ حِنْطَةٍ أَوْ
- ثَمَنٍ مُدًّا». (كليني، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴۴)

فهرست منابع

الف: کتاب ها

* قرآن کریم

۱. ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین (۱۴۱۹ق)، استقصاء الاعتبار فی شرح الإستبصار، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، چاپ سوم.
۳. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۲۸ق)، فرائد الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ نهم.
۴. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۵. جناتی، محمد ابراهیم (بی تا)، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، بی جا، بی نا (نرم افزار فقه اهل البيت ۲).
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ اول.

۷. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت.
۸. خلیل بن احمد (فراهیدی) (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم.
۹. رخسار، محمدحسین (۱۳۸۸ش)، در محضر بهجت، قم، مؤسسه فرهنگي سما.
۱۰. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، قم، مؤسسه المنار، چاپ چهارم.
۱۱. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۹ق)، ذکرى الشیعة فی أحكام الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
۱۲. _____ (بی تا)، القواعد و الفوائد، قم، کتابفروشی مفید.
۱۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۲۱ق)، رسائل الشهد الثانی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۴. صافی، لطف الله (۱۴۲۳ق)، فقه الحج، قم، مؤسسه حضرت معصومه (ع)، چاپ دوم.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۶. طباطبایی کربلایی، علی بن محمدعلی (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
۱۷. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق)، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت.
۱۸. _____ (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. علوی، میرسیداحمد (بی تا)، مناهج الأخیار فی شرح الاستبصار، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول.
۲۰. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۳ق)، نضد القواعد الفقهية علی مذهب الإمامية، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
۲۱. کاظمی، جواد بن سعد (بی تا)، مسالك الأفهام إلی آیات الأحكام، بی جا، بی نا، (نرم افزار جامع فقه اهل البيت ۲).
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۲۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۱۰ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، مؤسسة الطبع و النشر، چاپ اول.

۲۴. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۲۸ق)، **ایضاح ترددات الشرایع**، قم، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، چاپ دوم.
۲۵. محقق خوانساری، حسین بن محمد (بی تا)، **مشارق الشموس فی شرح الدروس**، بی جا، بی نا، (نرم افزار جامع فقه اهل البيت ۲)
۲۶. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۲۴۷ق)، **ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد**، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
۲۷. مرتضی زبیدی (۱۴۱۴ق)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول.
۲۸. مطهری، مرتضی (بی تا)، **مجموعه آثار شهید مطهری**، تهران، انتشارات صدرا.
۲۹. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، **تفسیر نمونه**، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۳۱. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۴۱۷ق)، **غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۳۲. نشوان حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق)، **شمس العلوم و دواء کلام العرب من الكلوم**، بیروت، دارالفکر المعاصر.
۳۳. وحید بهبهانی، محمدباقر بن محمداکمل (۱۴۱۹ق)، **الحاشیه علی مدارک الأحکام**، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
- ب: مقالات**
۳۴. عابدینی، احمد (۱۳۸۳ش)، «**شریعت سهله و سمحه با تأکید بر نظر شهید مطهری**»، فصلنامه کاوشی نو در فقه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۳۹.